

# جریه با نو روز



نوشته: نذیر ظفر - ورجینیا

نو روز! ای نوید رخ نو بهار ها  
نوروز! ای سرود خوش نغہ سار ها  
نو روز آمدی و تو میآیی سالها  
کس شاد میشود؛ کسی دارد شرار ها  
نوروز! با تو گله کنم؛ نیست هیچ کس  
همراز و همنوای دل داغدار ها  
نوروز! سال پار تو دیدی درین وطن  
کمتر ز حال نقش و وجود مزار ها  
نو روز! اشک و ماتم مردم فزونتر است  
از دین فروش و قاتل و از تیکه دار ها  
نو روز! روز نو تو نبینی به بیکسان  
یکسان بود به دیده شان روزگار ها  
نو روز با بهار بگو گل نیاورد  
روئیده هر کناره ز اشرار خار ها  
نو روز! آمدی نکنی شهر را غلط؟  
تعمیر های خوشگل و نو در کنار ها

نوروز! در بلندی تعمیر ها نگر  
نقش است پول ظالم و بزم قمار ها  
نوروز! مشکلت عبور از میان شهر  
با آن همه هجوم و قطار سوار ها  
نوروز! گر بسوی یتیمان شدی دمی  
باری بروب از رخ آنها غبار ها  
نوروز! مردمان وطن خسته گشته اند  
از چهره های بی نمک ریشدار ها  
نوروز! آرزوی (ظفر) از خدای پاک  
این است تا که محو شود سوسمار ها

چهارشنبه، ۱۷ مارچ ۲۰۱۰